



۱۰

محل دقیق دفن احمد متوسلیان کجاست؟

تیغی که جراح در سرتان جامی گذارد



۱۱



۱۲

درباره نمایش آنلاین موفقیت آمیز فیلم «گلابو سیتابو» بابازی آمیتاب باچان

مستاجرهای خوش نشین

فرهنگ

یکشنبه ۲۲ آتیر ۱۳۹۹ :: شماره ۵۶۹۷



کاغذ اخبار

صابر ابر

و اجرای نمایش «هه»

نمایش «هه» به طراحی و کارگردانی پیمان قدیمی و با بازی صابر ابر از نیمه اول مرداد با رعایت فاصله گذاری اجتماعی و دستورالعمل های بهداشتی در فضای باز تالار وحدت اجرا خواهد شد.

هه بر اساس رمان تن هایی پریهاهو اثر بهومیل هرابال و ترجمه پرویز دواپی، توسط پیمان قدیمی برای اجرای تئاتر بازنویسی شده است. این نمایش در شیوه اجرایی خود از تمهیدات دیگرگونه ای بهره می برد به نحوی که در پرهیز از تداخل آلودگی های صوتی محیط، صدای نمایش هه توسط تلفن همراه و هدفون شخصی تماشاگران قابل شنیدن خواهد بود. / باشگاه خبرنگاران جوان



نمایی از فیلم «شنای پروانه»



چرامخاطبان برخلاف عادت همیشه گی، فیلمم درام «شنای پروانه» را به کمدی «خوب، بد، جالب» ترجیح داده اند؟

شنای گیشه در جهت مخالف

گفت وگو با محمد حنیف که این روزها رمان «جادوی گوبتا» را منتشر کرده است

زندگیم جادویی بود همانند داستان هایم

دکتر محمد حنیف، نویسنده و پژوهشگر ادبی معاصر است. از وی در زمینه ادبیات داستانی آثار چون «کلاه جادویی و مجسمه مسی»، «جادوی گوبتا»، «این مرد از همان موقع بوی مرگ می داد»، «با اعمال شاقه» و... منتشر شده است و در حوزه نقد ادبی نیز کتاب «بومی سازی رئالیسم جادویی در ایران» که همراهی محسن حنیف آن را تالیف کرده است در سال ۱۳۹۸ برگزیده جایزه ادبی جلال آل احمد شد. حنیف همچنین در جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، شهید غنی پور و قلم زرین نیز پیش از این تجلیل شده است. گفت وگو با وی به بهانه موفقیت اخیر رمان جادوی گوبتا در جشنواره قلم زرین انجام شد. رمانی که او آن را با وام گرفتن از داستان های هزار و یک شب و در سبک رئالیسم جادویی تالیف کرده است.



حمید نورشمسی

روزنامه نگار

«**جادوی گوبتا** هم از نظر ساختار نوشتاری و هم از نظر تکنیک روایت اثر درخور توجهی است، چرا داستان هزار و یک شب و ساختار آن را برای ساخت این داستان بلند از خودتان انتخاب کردید؟

اغلب کارهای داستانی من پیرامون شیوه نوشتاری رئالیسم جادویی است. این کتاب هم از این دست بود و البته داستان هزار و یک شب نیز داستانی است که بسیاری از بزرگان داستان نویسی به سبک رئالیسم جادویی از آن بهره گرفته اند. وقتی یک نفر در بستر کار قد رتمندی مانند هزار و یک شب می رود و اثری برپایه آن می نویسد بر دانش و فرهنگ و تجربه نسل های گذشته ای که این اثر را نوشته اند، تکیه می دهد؛ دانش و فرهنگ و تجربه ای که هنوز زنده است. می دانید که کتاب های بسیاری در تاریخ ادبیات ایران نوشته شده است اما همه مانند این کتاب ها نتوانسته اند جهانی و ماندگار شوند آن هم به شکلی که آثار زیادی از آنها اقتباس می شود. من هم در جادوی گوبتا به خاطر لذتی که خوانش هزار و یک شب داشت و قدرتی که آن داستان دارد خواستم اثری خلق کنم که نگاهی به هزار و یک شب دارد. پیش از این هم نویسندگان زیادی از جمله نجیب محفوظ هم چنین کاری را کرده بودند.

«**شما در زمره داستان نویسانی هستید که محتوای داستانی و تعلیق روایت برایتان بیش از تکنیک اهمیت دارد. در جادوی گوبتا نیز این را می توان به خوبی دید.**

حرف شما صحیح است. من دوست دارم این گونه به داستان نگاه کنم و امیدوارم که مخاطبانم هم از این اتفاق راضی باشند. به باور من رمان تا قصه و تعلیق و برخورد شخصیت های هم سنگ را در خود نداشته باشد، اتفاق و کشمکش جانداری در آن شکل نمی گیرد.

«**و در این میان گویا رئالیسم جادویی و سبک و سیاق آن برای شما اهمیت بیشتری دارد. درست است؟ شما چه دینی درباره این سبک روایت بر خود حس می کنید که چنین به آن وفادارید؟**

در سال های اخیر رمان های متعددی از من منتشر شد که همه آنها در سبک و سیاق رئالیسم جادویی نوشته



عکس فارس

است که در کشور ما به صورت بومی شده در آمده است و می توان با کمک آن حرف هایی را که در عالم واقعیت نمی توان نوشت، زد.

«**شما معتقدید رئالیسم جادویی بومی شده در ایران پدید ادبی مورد اقبال و جاذبه ای است؟**

در یک دوره زمانی این نوشتار مورد توجه بیشتری بود. مثلا غلامحسین ساعدی در عزاداران بیل آن را طبع آزمایی کرد یا در داستان ملکوت بهرام صادقی یاد داستان کوتاه نویسنده همه عناصر و شاخصه های ساختاری و مبنایی آن را رعایت کرده است. شخصیت اصلی این رمان ناگهان پیدایش می شود بی آن که مشخص شود کیست و از کجا آمده. او نیروهای نظامی دولتی را به راحتی مقهور خود می کند. زمان را به راحتی در هم می شکند و قانون روایت را گونه را رعایت می کند و البته قانون علیت را هم بر هم می زند. شاعرانگی، نوستالژی، رجوع به تاریخ و خیلی دیگر از مشخصات یک داستان در این سبک را دارد و با این همه شما می توانید او را پذیرید.

«**با این همه، بسیاری نیز بر این باورند که با تغییر سبک و فرم زندگی انسان این روزها دیگر نمی شود با این شیوه نگارشی دست به تالیف قصه زد و مخاطب از داستان چیز دیگری طلب می کند.**

پاسخ به این پرسش برای من به راحتی امکان ندارد چون مطالعه عمیق و دقیقی از کارهای چند سال اخیر ندارم. با این همه سوال خوبی طرح کردید. کسانی که این ادعا را مطرح می کنند باید برای مدعی خود دلایل قابل توجهی داشته باشند. با این همه به نظرم با کلی گویی نمی شود در این زمینه حرفی زد و حکمی صادر کرد. »

مردمان آنجا تعریف می کردند؛ قصه هایی درباره جن و پری می یال. پدر من برایمان درباره موجودی به اسم نسناس می گفت که بعدا فهمید نیمه انسان نیمه حیوان تصور می شده است. مردمان آن خانه در آن مقطع پیر بودند از قصه ها و افسانه های عجیب این چنینی که ذهن ما را ساخت. اما در کنار این بخش تاریخی من باور دارم که مکتب نوشتاری رئالیسم جادویی مدافع انسان کم توان معاصر است.

«**مدافع در مقابل چه؟**

در مقابل ناتوانی هایی که انسان دارد. بشر تا چندی قبل فکر نمی کرد از نظر پزشکی این قدر ضعیف باشد که یک ویروس بتواند چنین خلع سلاحش کند. در تمامی زوایای زندگی، انسان روز روز شکست های روحی و فیزیکی زیادی دارد و رئالیسم جادویی ابزاری است که انسان به کمک آن می تواند در مقابل این شکست ها و تهدیدها اتفاقات و موجوداتی افسانه ای را برای حمایت از خود و پیرامونش به کار ببندد.

همچنین رئالیسم جادویی به نویسنده ای که می خواهد فراتر از واقعیت بنویسد، کمک زیادی می کند. این سبک همچنین در زمره معدود سبک های نوشتاری غیرایرانی

به اضافه این که...

محمد حنیف درباره این که از کدام نویسنده های صاحب سبک در رئالیسم جادویی تأثیر پذیرفته می گوید: من از هر اثری که خواندم استفاده کردم و یاد گرفتم. برای من مارکز همیشه جالب بوده یا نجیب محفوظ که البته همه آثارش را نخوانده ام. اما به نظرم قوی تر از مارکز در این زمینه در ادبیات داستانی جهان هم هست. مثلا برخی آثار ساراماگو و تونی مورسیون نیز طبع آزمایی تاثیرگذاری در این زمینه در ادبیات جهان داشته اند. می خواهم بدون تعارف بگویم که همه ما وامدار تمام آثاری هستیم که می خوانیم. الهام گرفتن این نیست که از عالم ناخودآگاه به شما چیزی برسد بلکه همواره ما در حال بهره برداری مداوم از تجربه های زیستی خود و آثاری هستیم که خوانده ایم. چه از نظر واژگان باشد و چه تناسب در نوشتن. الهام یعنی درس گرفتن. گاهی این اتفاق خیلی روش شکل می گیرد و گاهی غیرمستقیم. من خود را وامدار همه آثاری می دانم که خوانده و از همه آنها الهام گرفته ام تا با نگاه خودم داستان بنویسم.

هشدار ارجمند

درباره کرونا

برزو ارجمند، بازیگر تلویزیون و سینما درباره کرونا گفت: ما اجرای کرونا خیلی جدی است. یکی از بهترین دوستانم، آرش نجفی. از همکلاسی های قدیمی ام که عکاسی می خواند. الان چهار روزی است که در بیمارستان است. باید چند روز دیگر هم بماند. شرایط این قدر بد است که حتی نمی توانم بروم عبادت نزدیک ترین دوستم. کاش می شد صدایش را پخش کنم. می گوید خیلی سخت تر از آن چیزی است که همه فکر می کنند. من درک می کنم خیلی از مردم باید امرار معاش کنند، اما باید ماسک بزنم و حداقل ها را رعایت کنیم. / اسنا

انتشار نمایشنامه های

جلالی پور

بهرام جلالی پور نویسنده و مترجم، درباره آثاری که در دست چاپ و نشر دارد، گفت: قصد دارم تعداد ۱۰ نمایشنامه و دو فیلمنامه بلند مختص مخاطب کودک و نوجوان با نام های «راز انگشتن سلیمان» و «به غول و دو قل» را در مجموعه ای واحد مشتمل بر ۱۲ کتاب منتشر کنم.

هر ۱۰ نمایشنامه پیشتر به دفعات روی صحنه رفته اند و تقاضای زیادی به ویژه از شهرستان ها برای دریافت متن آنها وجود دارد، چون اصرار دارم این متون در یک مجموعه منتشر شوند، فعلا در مرحله مذاکره با ناشر هستم. / هنر آنلاین

